

پاسخ تاج زاده به کیهان

مدیر مسئول محترم روزنامه نوروز

با سلام

خواهشمند است نسبت به انتشار پاسخ پیوست که روزنامه محترم کیهان از درج آن خودداری می کند، اقدام فرمائید. روشن است که ترجیح من، چاپ مقاله در کیهان، به همراه نقد آن بود. از آنجا که موضوع «مذاکره با آمریکا» حساس و مهم است، امیدوارم صاحب نظران با طرح دیدگاه های خود به عمیق شدن این بحث یاری رسانند.

با احترام - سیدمصطفی تاج زاده

مدیر مسئول محترم کیهان

با سلام

یادداشت روز مورخ ۱۳۸۱/۲/۱۲ آن روزنامه محترم کسانی را که طی هفته های اخیر از ضرورت مذاکره با آمریکا سخن گفته اند، سخت مورد انتقاد قرار داده است. از آنجا که اینجانب یکی از آن افراد هستم، لطفاً نسبت به چاپ این جوابیه اقدام فرمائید.

۱- از نظر نویسنده محترم:

در میان کسانی که طی هفته های اخیر، از ضرورت مذاکره با آمریکا سخن گفته و آن را همساز با منافع ملی ارزیابی کرده اند- قطع نظر از اینکه وابسته به کدام جناحند- نوعی خامی و ناپختگی سیاسی دیده می شود. در خوش بینانه ترین فرض، این افراد را می توان ساده لوحانی دانست که از منافع ملی چیزی نمی دانند... بعید است افرادی که دست کم با الفبای سیاست آشنا هستند آن را دریابند... در هر گفت و گو- لااقل در شرایط کنونی- منافع آمریکا حفظ می شود، نه منافع مردم ما... بدون تعارف، در میان افرادی که با ماسک اصلاح طلبی و غیر آن، اخیراً دل شان برای نشستی بر سر میز مذاکره با دولت آمریکا لک زده، حتی یک نفر را نمی توان سراغ کرد که از موضع عزت سخن گفته باشد. این موضع، وقتی در کنار کم مایگی سیاسی قرار می گیرد، حتی برای حریف هم، طرف مذاکره قابل قبولی در نمی آید. بنگرید به سخنان کاندولیزا رایس، مشاور امنیتی بوش که جناح اصلاح طلب را فاقد نفوذ و تاثیر می داند. البته دوستان اصلاح طلب باید از اینکه مشاور رئیس جمهور آتش افروز آمریکا، تحویل شان نمی گیرد خرسند باشند، نه اینکه تلاش های خود را برای محبوب شدن نزد هیئت حاکمه این کشور به مسابقه بگذارند... این سخن را بارها شنیده ام که جهان امروز، جهان گفت و گو و مفاهمه است و بر اساس همین پیش فرض نه چندان درست، گفته می شود حتی دو دشمن در حال جنگ نیز با یکدیگر گفت و گو می کنند. دیپلماسی، هنر چانه زنی است، اما به شرط آنکه طرفین چانه زنی، مبناهایی را پذیرفته باشند... چند چهره دست چندم- آن هم قطعاً با هماهنگی جناح تندرو داخل آمریکا- ژست مسالمت جویانه می گیرند و در دل بعضی از روشنفکران و سیاستمداران وطنی، قند آب می کنند.



هنر مسلمان دشمن شناسی است. دست کم گرفتن دشمن و خوش بینی بیش از اندازه، زبان هایی دارد که کمترین آن، سقوط به دام ذلت است... شاید آمریکایی ها که مذاکره بیشتر به نفع آنهاست، آنقدر نگران فرصت سوزی ها نباشند که برخی سیاستمداران وطنی... نگرانی این عده آن است که مبادا در مسابقه نزدیک شدن به آمریکا، از رقیبان درون جناح خود، رو دست بخورند و افتخار مذاکره در کارنامه سیاسی دیگران ثبت شود و پرستیژ اجتماعی و سیاسی نقابداران اصلاحات، دچار مشکل گردد!... هم بعضی از آنها که روزی لانه جاسوسی آمریکا را تسخیر کردند و امروز زبان توبه گشوده اند... [هم] آن گروه که داشتن سابقه مخالفت با آمریکا را همچنان افتخار می دانند ولی در شرایط حاضر دچار وادادگی اند، راه اینها از راه انقلاب و نظام جداست، آنها به مردم پشت کرده اند و می تازند دشمن به آنها دل بسته است و گمان می برد از این حاکمیت دو گانه! طرفی می بندد. اما احتمالاً در میان هیئت حاکمه آمریکا حسابگرانی هستند که سرمایه گذاری روی این عناصر را بی فایده تشخیص دهند. چون آنها قبلاً هم روی تفاله های رژیم پهلوی، بختیار، بنی صدر، مدنی و... سرمایه گذاری کرده اند و نتیجه اش را دیده اند.

(یادداشت روز کیهان، ۸۱/۲/۱۲)

۲- نویسنده محترم بر این باور است که ویژگی های طرفداران مذاکره با آمریکا به شرح ذیل است:

الف- خام و ناپخته از نظر سیاسی

ب- در خوش بینانه ترین فرض ساده لوحانی که از منافع ملی چیزی نمی دانند (در بدبینانه ترین فرض، جاسوس و در حالت بینابین و عادی، ساده لوحانی جاسوس یا جاسوسانی ساده لوح؟!)

ج- دست کم با الفبای سیاست آشنا نیستند (دست متوسط، آنقدر توان ذهنی شان پائین است که اساساً قادر به درک الفبای سیاست نیستند، و دست بالا، روانی اند!)

د- دلشان برای نشستن سر میز مذاکره با آمریکا لک زده است (احتمالاً کیک مک فارلین به دهانشان مزه کرده است و یکبار دیگر آرزوی دیدار کاخ سفید را دارند!)

ه- حتی یکی از آنان از موضع عزت سخن نگفته است.

و- از نظر سیاسی آنقدر کم مایه اند که طرف مذاکره قابل قبول در نمی آیند، حتی برای حریف (احتمالاً استحاله ای در روزنامه محترم کیهان صورت گرفته است که به جای دشمن به آمریکا می گوید "حریف"؟)

ز- مشاور امنیت ملی بوش آنان را فاقد نفوذ و تاثیر می داند و تحویلشان نمی گیرد (ظاهراً با نویسنده محترم روزنامه رسالت هم موضع است که آمریکا پای ثابت حکومت را طرف گفت و گوی خود می داند. فقط معلوم نیست که چرا چمدان های پر از دلار را برای طرفداران پای لرزان حکومت می فرستد؟!)

ح- پیش فرض آنان غلط است که "جهان امروز، جهان گفت و گو و مفاهمه است (لا بد چون جهان امروز، جهان جنگ و خشونت است، ما هم باید بر همان طبل بکوبیم و از گفت و گوی تمدن ها و ائتلاف برای صلح دم نزنیم، چون با واقعیت جهان سازگار نیست و فایده ندارد!)

ط- آنقدر سطحی نگرند که به محض این که "چند چهره دست چندم" (مانند کارتر و آلبرایت و الگور...) آن هم قطعاً با هماهنگی جناح تندرو داخل آمریکا ژست مسالمت جویانه می گیرند، در دل آنان قند آب می شود (نویسنده محترم فراموش کرده است که وقتی اعتراف می کند بوش و دولت او جناح تندرو هستند، غیر مستقیم پذیرفته است که در آمریکا جناح میانه رو نیز وجود دارد! اگر هم بر این باور است که "جناح میانه رو" نیز قطعاً با هماهنگی جناح تندرو ژست مسالمت جویانه می گیرد، توضیح نداده است که چرا آنان را جناح بندی می کند؟! شاید به این دلیل که نمی خواهد اعتراف کند ممکن است حتی یک سیاستمدار آمریکایی طرفدار صلح و گفت و گو باشد!)

ی- برای محبوب شدن نزد هیئت حاکمه آمریکا تلاش می کنند و دشمن را "دست کم" می گیرند و "بیش از اندازه" خوشبین هستند.

ک- طرفداران ایرانی مذاکره بیش از آمریکایی ها که مذاکره به نفعشان است، نگران فرصت سوزی اند!)

ل- نگرانی آنان در مسابقه نزدیک شدن به آمریکا، این است که از "رقیبان درون جناح خود" رو دست نخورند و "افتخار مذاکره" در کارنامه سیاسی دیگران ثبت شود (نویسنده محترم توضیح نداده که رقیب درون جناحی اصلاح طلبان چه کسانی هستند که قرار است این افتخار به نام آنان ثبت شود و معلوم نیست چرا آنان را افشان می کند!)

م- آنان در شرایط حاضر دچار وادادگی شده اند.

ن- راه طرفداران مذاکره از راه انقلاب و نظام جداست، چرا که به مردم پشت کرده اند.

س- به نظر نویسنده محترم مذاکره با آمریکا آنقدر در ایران اعتبار آور و افتخار آفرین است که عدم مذاکره اصلاح طلبان باعث می شود پرستیژ اجتماعی و سیاسی خود را از دست بدهند با وجود این دائم تکرار می کند که مردم ایران با مذاکره با آمریکا مخالفند!)

۳- نویسنده محترم بر اساس توهین ها و اتهامات پانزده گانه مذکور (خدا رحم کرده است که از حمایت پانزده درصد آرای مردم بیشتر بهره مند نیستند و گر نه معلوم نبود در هر مقاله چند بار به مستقدان خود اهانت می کردند و تهمت می زدند؟! نتیجه می گیرد که: دشمن به آنها دل بسته است و گمان می برد که از این "حاکمیت دو گانه" طرفی می بندد! بوی فراموش کرده است که در ابتدای مقاله ادعا کرده بود که آمریکا می داند که جناح اصلاح طلب فاقد نفوذ و تاثیر است و طرف مذاکره قابل قبولی نیست!

۴- نویسنده محترم بلافاصله با ناامیدی از محاسبات دولت آمریکا، اضافه می کند که "احتمالاً در میان هیئت حاکمه آمریکا حسابگرانی هستند که سرمایه گذاری روی این عناصر را بی فایده تشخیص می دهند، چون آنها قبلاً هم روی تفاله های رژیم پهلوی، بختیار، بنی صدر، مدنی و... سرمایه گذاری کرده اند و نتیجه اش را دیده اند."

به سخن دیگر هیئت حاکمه آمریکا، به جز "احتمالاً حسابگرانی خاص" سرمایه گذاری بر اصلاح طلبانی را که خواهان مذاکره با آمریکا هستند، مفید می داند، به همین دلیل به آنان دل بسته است. با وجود این نویسنده محترم توضیح نداده است که چرا به نظر او خانم رایس آنان را تحویل نمی گیرد؟! آیا اختصاص یافتن یادداشت روز کیهان به "کم مایگانی که با الفبای سیاست آشنا نیستند"، به این دلیل است که نگران اشتباه محاسبه هیئت حاکمه آمریکا است که نکند روی کسانی که فاقد نفوذ و تأثیرند، سرمایه گذاری کند، حال آن که طرف قابل قبول مذاکره با آمریکا آن جریان نیست (کدام جریان است!؟)

۵- نویسنده محترم جز اشاره به نظر مقام رهبری در یک جمله کوتاه که "مذاکره به نفع آمریکا است"، هیچ استدلالی برای نقد مواضع طرفداران مذاکره با نهاد های مدنی و شخصیت ها و نمایندگان صلح طلب آمریکایی در شرایط کنونی "ارائه نکرده است. انتظار این بود که وی به جای

پاسخ تاج زاده به کیهان

ادامه از صفحه ۵

ایراداتهامات پانزده گانه، دلایل مهمان به طر فزاری از مذاکره با آمریکا را یک به یک طرح و سپس تقدیمی کرد دشمناً بهتر بود که بجای عبارات و احکام متناقض از این قبیل که باید گفت گاهیات حاکمه آمریکا بکسان است باعضای آن دارای اختلاف نظرند؟ آیا آمریکا دارای جناح های تندرو و میانه روست یا همه تندرو هستند؟ اگر در آمریکا دو جناح فعال هستند موضوع هر کدام چیست؟ یا اصلاح طلبان مورد قبول آمریکا هستند یا نه؟ اگر آمریکا نخواهد روی آنان مانند قزاق ها ی پهلوی حساب کند باید روی چه کسانی حساب کند؟ و مستقیماً به دلایلی که بر اساس آن نباید در شرایط کنونی مذاکراتی مدنی، چهره و نمایندگان صلح طلب آمریکایی مذاکره کرد می پرداخت. همچنین اعلام می کرد که مذاکره با آمریکا در کدام شرایط تو صیه می کند؟

خدا از آنجا که مذاکره رسمی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا جزو سیاست های کلان نظام است، حق تصمیم گیری با مقام رهبری است اما مانند هر موضوع دیگر مرتبط با سرنوشت کشور و منافع و امنیت ملی، چگونگی تعامل با آمریکا باید مورد بحث همگانی قرار گیرد تا ابعاد آن کاملاً روشن و حتی امکان در آن باره اتفاق و اجماع عمومی حاصل شود بنابراین وظیفه همه صاحب نظران است که از موضع دفاع از منافع ملی به تبیین دیدگاه خود پیر دازند، تا موجب تور افکار عمومی شود، به خصوص که مردم رهبری تصریح کرده اند که در این شرایط حساس، هیچ کس حق در تکاپب دیدگاه اشتباه را نیز ندارد و در مورد مسائلی که به منافع ملی مربوط است، از رهبری نظام تا یابین، همه مسئولند که از آن دفاع کنند.

۷- پیشنهاد من به طور مشخص این بوده است که:

الف- در کنار نهادهای مدنی و شخصیت های مو جه آمریکایی، نمایندگان مجلس اعلام کنند حاضرند بد آن دسته از نمایندگان صلح طلب کنگره آمریکا که جمهوری اسلامی ایران را جزو محور شرارت نمی دانند و استقلال و تمامیت ارضی کشور را به رسمیت می شناسند، و برای گفت و گو پیش شرطی ندارند، با رعایت احترام متقابل مذاکره کنند.

ب- برای این که دعوت فوق جناحی نشود، پیشنهاد کردم کمیسیونی مرکب از نمایندگان همه فرaksiون های مجلس تشکیل شود تا جمعا به بحث در این باره بپردازند و موضوع را به صورت هماهنگ اداره کنند تا هیچ جناحی نتواند این مساله را به حرا یه با نفع خود یا علیه رقیب تبدیل کند و مسئولیت خود همه در وهای سیاسی، باعم از اصلاح طلب، محافظه کار و مستقل باشد و همه از منظر ی ملی، متحی به مساله نگاه کنند.

ج- اگر نمایندگان کنگره به دعوت مذکور پاسخ مثبت ندهند، کمیسیونی می تواند موضوع را برای ملت ایران و نیز در سطح جهانی توضیح و نشان دهد که جنگ طلب واقعی کیست و چه کشوری واقعا در پی صلح و گفت و گو است.

د- بسته به نوع پاسخ مثبت نمایندگان صلح طلب آمریکایی، می توان ملاقات علنی را در ایران، آمریکا (سازمان ملل) یا کشور ثالثی برگزار کرد.

ه- اگر تداوم مذاکره با منافع ملی سازگار باشد و دولت آمریکو موضوع رفع معطلی خود را اصلاح کند، گسترش مذاکره بین کارشناسان و مسئولان وزارت خارجه کشور تو صیه می شود در غیر این صورت مذاکره بین نمایندگان نهادهای مدنی و حاکم نمایندگان صلح طلب مجلس دو کشور ادامه خواهد یافت یا اعتدال و مو قعیت قطع خواهد شد.

و- همچنین پیشنهاد کرد که اصول موضوع مذاکره با آمریکا می تواند به مجلس شورای اسلامی واگذار شود، کاری که امام را حل در باره مساله گر گزیده صورت داد.

۸- چنانکه که ملاحظه می شود، پیشنهاد این بود که دولت جمهوری اسلامی در شرایط کنونی و به هر قیمت دولت آمریکا را به مذاکره دعوت کند. بلکه سخن این است:

نظامی که شعار فر هنگی اش، گفت و گوی تمدن ها و دیپلماسی اش بر مبنای ائتلاف برای صلح و تنش زدایی است، در شرایط کنونی نمی تواند اولی اصول طرف مذاکره و گوی برار و مسئولانه باشد، اما دنیا و نیز مردم ایران می پذیرند که چنین تقاضای زیر بار حمل، بهتر یا هیچ کشوری با جمله آمریکان رد.

۹- احتمالاً بعضی خود اتنندگان محترم خواهند پرسید که چه لزومی دارد در شرایطی که بوش مرتباً بران را تهدید می کند، با صلح طلبان آمریکایی مذاکره کنیم؟ پاسخ را به نظر من، باید در تغییرات جهان پس از ۱۱ سپتامبر دید. جنگ طلبان آمریکا مصمم هستند از شرایط کنونی که «افکار عمومی ای کشور تحقیر و به نفع میل برست ها تحقیر و بیسج شده است» حد اکثر استفاده را بکنند بنابراین اقداماتی انجام می دهند که در شرایط عادی نمی تواند به عبارت دیگر هر چند ادبیات و رئیس جمهور آمریکا مانند این جمله که هر کس با ما نیست با تو ورست هاست و اینو نیز سیاست های رسمی دولت آمریکا غیر معطقی، یو خاشیو یانه و انتقام گیرانه است، اما از حمایت افکار عمومی آن کشور بهره مند است (اساساً خطر رشد گرایش های افراطی و خشن برخی کشورهای جهان که ویش احساس می شود در چنین فضایی باید به گونه ای عمل کرد که اجازه تحریک و بسیج افکار عمومی را در آمریکا و برخی کشورهای دیگر به نفع خود نماند.

۱۰- اگر رفتار سایر کشور ها را از جمله کره شمالی و عراق بعد از جنایت ۱۱ سپتامبر در نظر بگیریم، در می یابیم که مو اجهه آنها با آمریکا متفاوت با گذشته است اکنون از اتحادیه اروپا و روسیه، چین و هند تا کره شمالی و عراق، همه متر صد خر یل ز مان هستند تا احساسات تحقیر و تحریک شده مردم آمریکا فروکش کند و امکان سوء استفاده جنگ طلبان آمریکایی از شرایط کنونی بد که حداقل خود پیر سد و فضایی آرام و مناسبی برای گفت و گو و حل مسالمت آمیز اختلافات پیش آید. تلاش همه صلح طلبان جهان، نه فقط صلح طلبان ایرانی، خروج از فضای خشونت و تهدید کنند و خطر کنونی است.

۱۱- مزیت نسبی جمهوری اسلامی اولاً در حمایت ملی و ثانیاً در همبستگی جهانی با استقلال خواهی مردم گرای و صلح دوستی آن است، که ادبیات رئیس جمهور منتخب مردم سرشار از آن است با وجود این برای جلوگیری از کاهش تهدیدات آمریکا علاوه بر توجیه افکار عمومی ملی و جهانی، لازم است بین تصمیم سازان و تصمیم گیران آمریکایی اختلاف نظر و در نتیجه در دیپداکر به خصوص آن که مهمانان در ایران در مورد نحوه تعامل با آمریکا اختلاف نظر وجود دارد، در آمریکا نیز در باره چگونگی ارتباط با جمهوری اسلامی اختلاف دیدگاه ها بعضاً جدی است همچنین باید از اختلاف نظر سایر کشورهای قلمر تمدن با آمریکا استفاده کرد بنابراین باید تفاوت ها را شناخت و به نفع صلح جهانی و منافع ملی از آن بهره گرفت. چنین

کاری با اتفعال در بر ای نهادهای مدنی و پارلمانی آمریکا کمتر امکان پذیر است.

۱۲- پس از جنایت ۱۱ سپتامبر سه ماهی و ابسته به صهیونیسم بین الملل تلاش فراوانی کرده اند که مسلمانان را به طواغع و جمهوری اسلامی ایران را به طواغیص طرفدار تروریسم و جنگ طلب نشان دهند. آقای خاتمی با طرح شعار ائتلاف برای صلح و در ادامه سیاست تنش زدایی کو شید تبلیغات سوء مذکور را در افکار عمومی جهانی خشی کند و تا حدودی موفق شد، چرا که به علت خستگی بشر امروز از جنگ و خشونت، گرایش به صلح و گفت و گو اکنون بیش از زمان دیگری در سطح بین المللی مقبولیت دارد.

نظریه ائتلاف برای صلح آقای خاتمی در تداوم پیشنهاد فر هنگی گفت و گوی تمدنها، اعتبار ایران اسلامی را در سطح جهانی افزایش داده است اکنون تشکیل جبهه ای متشکل از همه صلح طلبان جهان، از جمله صلح طلبان آمریکایی، از همه دولت بوش، گام مهمی در این مسیر به شمار می رود.

۱۳- جامعه و نخبگان ایرانی با دو مساله ر عو ب شدن و تحریک شدن و کردن به بالند ز کافی آشنایی دارند در ک این دو گرایش افراطی که سهمیه یکی در عرصه بین المللی است و باید از آن هرگز دریای ماسخت نیست اما همچنین باید از دچار شدن به غرور کاذب و خوش بینی های بدون دلیل به خدا پناه برد، از آنجا که برخی تصمیمات غیر معطقی رهبران کاذخ سفیدی می تواند اشتباهات ارضی کشورمان را تهدید کند، باید به خطای ناک چنین احساسی که البته در هنگام جدی شدن تهدید بی محموله و اودا که میسر منجر می شود، کثرت از تاج و دو خطر اوعاب و ماجر اجوی نیست بنابراین چاره ی نداریم جز این که تحکیم و مصلحت جو یانه به عزت و ان اسلامی دفاع کنیم، نه این که با احساس غرور کاذب و توهم، بر ای بدون پر گشت را طی کنیم که ممکن است چنین شیطانی مطلق نتیجه ی نداشته باشد یا سداری از عزت و ان اسلامی در گر و هویشاری و ستیج مستمر و واقع بیانه شرایط است و صرف شعار های ریدیکال و خونی جزم اندیشهانه به سر باجمالی مطلوب نمی رسد عراق صدام حسین از چنین رویکردی جز فتل برای کشور و ملت خود نیالورد و است عزت دیگران شدن خرد می شود.

۱۴- حتی اگر دعوت نمایندگان مجلس یا سایر نهادهای مدنی ایران با پاسخ مثبت همتایان صلح طلبان در آمریکا مواجه نشود در آن صورت نیز، به تنها چیزی از دست نداده ایم، بلکه در سطح بین المللی، جمهوری اسلامی ایران را بر چمدان صلح و گفت و گو و حل مسالمت آمیز اختلافات خواهد شناخت این شیوه در داخل نیز موجب آگاهی و انسجام بیشتر مردم می شود و باید هم به اختلاف طرف مذاکره مقابل دامن زد، چنانچه با تدبیر عمل کند، به عبارت دیگر مهم ترین پیام مذکور، صرف نظر از اجابت شدن یا نشدن این خود اهل بود که افکار عمومی را در داخل و خارج به سوی جمهوری اسلامی متمایل خواهد کرد و آمریکا را تحت فشار قرار خواهد داد که منشی و ادبیات خود را تغییر دهد اگر نهادهای مدنی، شخصیت ها و نمایندگان صلح طلب کنگره به دعوت ایران ایتان صلح طلب پاسخ مناسبی ندهند، آمریکا با یابید های سنگینی بپردازد و اگر اصل مذاکره را پذیرد، باید بهیشت است گفت و گوی علنی نمایندگان دو دولت پس از اصلاح مواضع رسمی آمریکا با احترام متقابل و به رسمیت شناختن استقلال و تمامیت ارضی ایران و بدون هیچ پیش شرطی آغاز خواهد شد.

۱۵- نکته رانمی توان نادیده انگاشت، که آیا پذیرش گفت و گوی مستقیم با آمریکایی ها، مو جب بروز سلاطینی در ذهن مردم جهان نخواهد شد؟ پاسخ مناسب را باید در این نکته یافت که گفتمان جمهوری اسلامی به ویژه در پیع صلح گذشته، دموکراتیک بود و هاست و مبتنی بر صلح و گفت و گو و تنش زدایی بنابراین توان برای جهانیان توضیح داد که اقدام نهادهای مدنی، شخصیتها و نمایندگان صلح طلب ایران در جهت تسخیر همین منطق و فرهنگ است. ضمن آن که مخاطب آن دولت آمریکا نیست، بلکه نهادهای مدنی، شخصیت ها و نمایندگان صلح طلب کنگره هستند به نظر می رسد موضوع فوق مورد اقبال جهانی واقع خواهد شد همچنان که پیشنهاد گفت و گوی تمدن ها و ائتلاف برای صلح خاتمی با استقبال گسترده آنان مواجه شد و کسی آن دو طرح را ضعف، تقبب نشینی یا ترس جمهوری اسلامی ایران تفسیر نکرد.

۱۶- اگر قرار بود ایران رسماً مذاکره با دولت آمریکا را در خواست کند، شاید چنین ذغلی ایجاد می شد و با وجود این، اگر زمانی منافع ملی ما چنین پیشنهاد را اقتضا کند، و حتی به اشتباه چنین جهانیان نیز چنین باشند، این هزینه ای است که به نظر می رسد چاره ای جز پرداخت آن نداریم در عین حال اگر صحیح و یا بر نامه عمل کنیم، جای نگرانی نخواهد بود این اقدام به هیچ وجه غیر منطوره ر از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل توسط امام نیست، تحریریه پیشین اثبات کرد که فشاری مردانه بر اصول، اما متناسب با شرایط، می تواند شوک ناشی از رسماً مذاکره با دولت آمریکا را در خواست کند، شاید چنین ذغلی نشینی ها را جبران کند، تغییر تصمیم رهبر فقید انقلاب از جنگ به صلح به عزت و افتخار و دلالت به این توجیه که امام در همه حال با صداقت با ملت مواجه شد و هرگز به مردم و آرماتها و احساساتشان بی احترامی نکرد.

۱۷- پنهان نمی توان کرد که یک اختلاف نظر مهم در نگاه به حوادث جهانی دیدیم می شود آیا باید دو قضیه و حادثه شرایط را در مجموع مثبت از زیایی کرد یا منفی؟ اگر پاسخ مثبت باشد می پذیرم که دعوت شخصیت ها و نهادهای مدنی و نمایندگان صلح طلب آمریکا به مذاکره با این هدف کمک نمی کند، اما اگر ما همچون کشورهای دیگری مثل فلسطین، فلسطین، یهودا، کست را به در گری و های هارافزایش خشونت و ناامنی و نیز احتمال رشد تروریسم و فوجا یه بزرگی می دانیم و آن را به نفع بشریت و نیز آرماتها خود از زیایی نمی کنیم، دعوت صلح طلبان جهان، از جمله آمریکایی ها به گفت و گو نه تنها مفید بلکه ضروری است.

۱۸- تهدیدات اخیر جنگ طلبان آمریکا اقتدر جدی هست که جایی برای تسویه حسابهای سیاسی، بهانه گیری و جلد های بی حاصل باقی نگذارد. حتی در مورد این که در راه سالهای گذشته از فرصت های قریلی استفاده مناسب کرده ایم یا نه، البته می توان و باید به بحث نشست، اما مهم تر از هر چیز آن است که بتوانیم از شرایط موجود که اکثر قریب به اتفاق ملت ها و بسیاری از دولت ها مخالف هر گونه جنگ و عملیات نظامی هستند، برای استقرار صلح و همکار های مسالمت آمیز بیشتر ی بهره وریایم.

۱۹- چنانچه کیهان یا نویسنده محترم مایل باشند، می توان این بحث را چه به صورت مکتوب و چه در میز گردی حضوری ادامه داد اینجا ب در هر دو حال امکان دارد.

با آرزوی توفیق برای نویسنده محترم

با احترام - سید مصطفی تاج زاده